

تحلیل سیاسی و حقوقی آثار ورود افغانستان به سازمان تجارت جهانی (WTO)

مصطفی زمین پرداز^۱، محبوبه خسرویان^۲ و مسعود زمانی^۳

چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان «تحلیل سیاسی و حقوقی آثار ورود افغانستان به سازمان تجارت جهانی (WTO)» می‌باشد. سازمان تجارت جهانی یک سازمان بین‌المللی است که قوانین جهانی تجارت را تنظیم و اختلاف‌های بین اعضا را حل و فصل می‌کند. هدف عمده این سازمان ایجاد تسهیلات برای صادرات و واردات کالا و خدمات بین کشورهای عضو از طریق رفع موانع تعرفه‌های گمرکی می‌باشد. یکی از اصول سازمان تجارت جهانی حل و فصل مشکلات تجاری کشورهای عضو این سازمان است که کشورها می‌توانند از مجرای این سازمان، مشکلات ترانزیتی خویش را حل کنند. افغانستان از سال ۲۰۰۹ میلادی تاکنون سعی کرده است که عضویت این سازمان را کسب کند. با عضویت افغانستان در تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۵، تعداد اعضای این سازمان به ۱۶۴ کشور رسید. با توجه به مطالب مذکور پژوهشگر در مقاله حاضر بدنبال تأثیر پیوستن افغانستان به سازمان تجارت جهانی بعنوان عضو اصلی با توجه به موقعیت استراتژیک و جغرافیایی بوده و سعی بر یافتن علل و عوامل تأثیرگذار در امور سیاسی و اقتصادی کشور و رشد و توسعه احتمالی پس از این تغییرات می‌باشد.

واژگان کلیدی: حقوقی، افغانستان، سیاسی، سازمان تجارت جهانی (WTO)

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی

^۲ دانشجوی کارشناس ارشد حقوق تجارت بین‌الملل

^۳ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد



مقدمه

حقوق ترانزیتی‌اش جلوگیری به عمل آورد و پاکستان را وادار به همکاری در عرصه تجارت نماید. استراتژی توسعه ملی افغانستان (ANDS) به طور صریح نقش تجارت را برای توسعه اقتصادی متذکر شده و تأکید کرده پیوستن افغانستان به اقتصاد جهانی یکی از اهداف اصلی توسعه این کشور بوده که اولین و مهم‌ترین قدم آن پیوستن به WTO خواهد بود. با این اعتقاد که سازمان تجارت جهانی موجب رشد اقتصادی شده، صادرات را افزایش داده و سرمایه‌گذاری‌های خارجی را جذب می‌کند، افغانستان اقدام به عضویت در WTO کرده بود. تقریباً تمامی شرکای تجاری افغانستان در مرکز و غرب آسیا یا عضو WTO بوده یا در شرف پیوستن به این سازمان بودند. عضویت در WTO به افغانستان شانس بیشتری برای تجارت منصفانه و حل مناقشات اقتصادی از طریق مکانیسم سازمان تجارت جهانی می‌دهد.

سازمان مذکور توانست که در مدت کمی اکثریت کشورهای جهان را در خود جذب کند که تا ۳۰ نوامبر ۲۰۱۵ رقم کشورهای عضو به ۱۶۲ رسید و با عضویت افغانستان در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۵ و کشور لیبریا این رقم به ۱۶۴ کشور رسیده است. افغانستان که عضو فعال و دائمی این سازمان می‌باشد مسئول اصلاح‌سازی تمامی قوانین تجاری خود و تطابق آن با معیارهای سازمان تا پنج سال آینده است. این در حالی است که قوانین افغانستان مخصوصاً قانون تجارت افغانستان که از ۱۳۳۶ تا به حال تنها با تعدیلات اندکی قابل تطبیق است اما تغییرات و پیچیدگی‌های بیش از حد تجارت جهانی با مقایسه با قانون تجارت ما هیچ قابل تطبیق نیست و دولت افغانستان مکلف است که قوانین خود را تا پنج سال

موضوع گرایش به جهانی‌شدن امروزه در سطح بین‌الملل به طور جدی از جانب سازمان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی وابسته به آن مورد حمایت قرار گرفته و به پیش برده می‌شود. در بعد اقتصادی، جهانی‌سازی را بطور مشخص می‌توان مشاهده نمود که سه سازمان صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی به عنوان سازمان‌های تخصصی در حیطه اقتصاد، سیاست‌هایی را در پیش گرفته‌اند که کاملاً در راستای جهانی‌کردن اقتصاد قرار دارد و چون این سازمان‌ها به نوعی نقش هماهنگ‌کننده اقتصاد جهانی را برعهده دارند، لذا با استفاده از ابزارهایی که در اختیارشان قرار دارد، کشورهای مختلف جهان و به ویژه کشورهای در حال توسعه را به سمت سیاست‌هایی که در پیش گرفته‌اند، سوق می‌دهند و کشوری که در راستای این سیاست‌ها حرکت نکند به انحای مختلف تحت فشار قرار می‌گیرد.

بازارهای هدف محصولات صادراتی افغانستان، کشورهای جنوب آسیا بخصوص کشور هند و کشورهای اروپایی می‌باشد. برای دستیابی به این بازارها، افغانستان مجبور است که از دهلیز پاکستان به عنوان مسیر ارتباطی عبور کند؛ اما پاکستان از سال‌های پیش به این سو از این ناگزیری افغانستان سوء استفاده نموده و هر موقع که اراده کرده، موانعی را مقابل محصولات افغانستان ایجاد نموده است. هر چند موافقت‌های دوجانبه زیادی بین دو کشور به هدف زدودن مشکلات ترانزیتی و تجاری به امضا رسید، اما همواره دولت پاکستان از پذیرفتن مسئولیت‌های ناشی از این موافقت‌نامه‌ها طفره رفته و تن به این موافقت‌نامه‌ها نداده است. از این پس افغانستان می‌تواند با مراجعه به سازمان تجارت جهانی از نقض



فرهنگی گسترش یابد و در هر حال از دیدگاه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورها بیشتر به هم نزدیک شوند تا تضادها و برخوردها محدود گردد (بزرگ و صباغیان، ۱۳۸۴:۵۶).

تاریخچه سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی صورت کامل و ارتقاء یافته موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت موسوم به گات است که برای شناخت آن لازم است در ابتدا آشنایی مختصری در مورد موافقتنامه موسوم به گات به دست آید. موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت موسوم به گات حاصل گفتگوهای طولانی نمایندگان بسیاری از کشورهای جهان در طول ۴۵ سال گذشته است. ضرورت وجود یک سازمان بین‌المللی ناظر بر بازرگانی جهانی و تسهیل‌کننده تجارت آزاد در فاصله جنگ جهانی اول و دوم احساس گردید. اما این ضرورت پس از جنگ جهانی دوم ابعاد تازه‌تری یافت. نابسامانی‌های اقتصادی ناشی از جنگ جهانی اول در اروپا، کشورهای این قاره را وادار به اعمال سیاست‌های حمایتی از صنایع داخلی و اتخاذ تدابیر تلافی‌جویانه علیه رقبای خارجی بالاخص آمریکا کرد.

سیاست‌های حمایتی موجب اشباع بازارهای داخلی شد و ادامه حیات صنایع تنها با ایجاد بازارهای جدیدی در فراسوی مرزها میسر می‌نمود. در حقیقت مازاد سرمایه و تولید انبوه، نگاه به بیرون را در سرلوحه اقدامات نظام سرمایه‌داری قرار داد. معضلات ناشی از سیاست‌های حمایتی حتی در دوره قبل از جنگ جهانی دوم، برخی کشورهای غربی را به فکر حذف موانع تجاری و ایجاد تسهیلات برای رونق تجارت جهانی انداخت. آمریکا به دلیل دور ماندن از صحنه‌های نبرد جنگ دوم جهانی و سالم ماندن مراکز صنعتی و اقتصادی این کشور، بیش از سایر کشورهای غربی خواهان ایجاد یک نظام کاملاً آزاد تجارت بود.

آینده سر و سامان داده و خود را با معیارهای سازمان تجارت جهانی برابر کند.

دلایل و عوامل شکل‌دهنده گات

۱- تئوری مزیت‌های نسبی که در اقتصاد مطرح است؛ به این معنی که کشورهایی که دارای تولیدات مختلف هستند، اگر هر محصولی را که در آن تخصص دارند تولید کنند و اجازه بدهند آزادانه میان کشورها مبادله شود و تبادل تجاری صورت بگیرد به نفع هر دو کشور و یا چند کشور طرف قرارداد خواهد بود.

۲- بحث دوم مربوط به ویرانی‌های پس از جنگ دوم جهانی بود که کشورهای درگیر در جنگ به این فکر افتادند با افزایش سطح تجارت بین یکدیگر بتوانند رفاه نسبی را در این کشورها بالا ببرند (رضایی، ۱۳۹۱).

اهداف گات چنین برشمرده شده است: «ارتقای استانداردهای زندگی، تضمین اشتغال کامل و رشد مداوم درآمد واقعی و تقاضای موثر، توسعه استفاده کامل از منابع جهان و افزایش تولید و مبادله کالا» (اکبریان، بی تا). گات در واقع یک چارچوب بین‌المللی است که هدف اساسی آن برداشتن موانع از سر راه مبادلات آزاد اقتصادی در زمینه کالاها و خدمات و سایر زمینه‌ها می‌باشد. به طور کلی هدف گات آزادسازی تجارت بین کشورهای عضو است. به عبارت دیگر گات دنیای مطلوبی است که سعی می‌شود در آن مرز سیاسی به مرز اقتصادی تبدیل نشود. پس در مورد گات می‌توان به این نتیجه رسید که در وهله نخست گات چارچوبی است بین‌المللی برای رفع موانعی که بر سر راه توسعه تجارت آزاد کشورهای جهانی وجود دارد و نکته دوم اینکه هدف گات این است که از دیدگاه سیاسی، کشورها از طریق گسترش روابط اقتصادی بیشتر به هم نزدیک شده تا از این راه احتمال وقوع جنگ کاهش یابد؛ ارتباطات

۳- مدیریت تفاهم نامه قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلافات را برعهده دارد.

۴- مدیریت ساز و کار بررسی سیاست تجاری را برعهده دارد (رضایی، بی تا).

اولین نشست در این زمینه در سال ۱۹۴۷ با حضور ۲۳ کشور در ژنو تشکیل شد و موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت به‌عنوان چارچوب همکاری‌های تجاری در سطح بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفت.

مراحل عضویت افغانستان در سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی در یک گزارش تفصیلی به ارائه جزئیات مراحل هفت‌گانه عضویت دائم افغانستان در این سازمان پرداخته است.

عضویت دائم یک کشور در سازمان تجارت جهانی در یک فرایند مذاکرات پیوسته می‌شود که تا حدودی با فرایند مذاکرات پیوستن به دیگر سازمان‌ها مثل صندوق بین‌المللی پول که به صورت خودکار انجام می‌شود، متفاوت است. سازمان تجارت جهانی تصریح می‌دارد: «از آنجایی که تصمیمات در کارگروه‌های الحاقی کشورهای عضو ناظر با اجماع تمامی اعضای کارگروه اتخاذ می‌شود، بنابراین تمامی اعضای کارگروه الحاقی یک کشور باید مطمئن باشند که خواسته‌های آنها از سوی کشور مورد نظر تأمین می‌شود و مسائل برجسته در مذاکرات دوجانبه با آن کشور حل شده است.» قبل از آغاز فرایند عضویت دائم یک کشور در سازمان تجارت جهانی، ابتدا این کشور باید تقاضانامه رسمی و کتبی برای عضویت را ارائه کند و این تقاضانامه در شورای عمومی سازمان بحث و بررسی شود و با اجماع همه اعضا، بررسی تقاضا مورد موافقت قرار گیرد و به عبارتی این کشور عضو ناظر سازمان تجارت جهانی شود. سازمان تجارت جهانی با اعلام اینکه افغانستان به عنوان عضو ناظر این سازمان پذیرفته شده بود و با تشکیل کارگروه الحاقی مربوط به این کشور، فرایند الحاق افغانستان به این سازمان انجام شد. افزود: «کارگروه الحاقی افغانستان مانند دیگر کارگروه‌ها یک رئیس دارد که این شخص پس از

اصول حاکم بر سازمان و حاکمیت اعضا

فلسفه تشکیل سازمان‌های بین‌المللی، واگذاری بخشی از حاکمیت هر عضو و در مقابل آن بهره‌برداری از جمع حاکمیت‌های تفویض شده توسط سایر اعضا است. اعضای سازمان جهانی تجارت باید اصولی را با توجه به عضویت در این سازمان پذیرفته و مدنظر قرار دهند:

- ۱- اصل عدم تبعیض؛ یعنی چنانچه امتیازی به یکی از اعضای سازمان بدهند می‌بایست آن امتیاز را در اختیار دیگران نیز بگذارند.
 - ۲- اصل جهان شمولی؛ بدین معنا که سازمان قصد دارد هم حوزه نفوذش و هم دامنه شمول موافقتنامه‌هایش جهانی باشد.
 - ۳- اصل شفافیت در وضع و اجرای مقررات، سیاست‌ها و آئین‌نامه‌ها (غفوری، بی تا).
 - ۴- اصل قابلیت پیش‌بینی؛ یعنی با توجه به اصل سوم، تجار بتوانند به استناد اطلاعات موثق با اطمینان خاطر برنامه‌ریزی و محاسبه کنند.
 - ۵- اصل آخر تعهد به آزادسازی تدریجی تجارت از طریق مذاکرات است تا زمینه برای رقابت عادلانه تجاری به وجود آید (بی تا، ۱۳۸۴).
- طبق ماده سه موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی، این سازمان وظایف یا کارکردهای زیر را انجام می‌دهد:
- ۱- اجرا، مدیریت و عملکرد موافقتنامه‌های سازمان و پیشبرد هدف‌های آنها را تسهیل می‌کند.
 - ۲- مجمعی برای مذاکرات اعضا در مورد روابط تجاری چندجانبه آنها به وجود می‌آورد.



است که در مذاکرات چندجانبه کارگروه تدوین شده است.

سند سوم نیز عبارت است از توافقات دوجانبه بین افغانستان و تک تک اعضای کارگروه در خصوص امتیازها و تعهدات مبادلات تجاری کالا و خدمات و دسترسی دو کشور به بازار یکدیگر.

سه سند مذکور در قالب یک مجموعه اسناد الحاقی در مرحله پنجم در نشست پایانی کارگروه به تصویب نهایی اعضای کارگروه رسید.

مرحله ششم عضویت دائم افغانستان در سازمان تجارت جهانی، ارائه گزارش نهایی کارگروه به شورای عمومی سازمان تجارت جهانی و تصویب این گزارش در شورای عمومی یا نشست وزیران بود. که انجام مراحل مذکور نهایتاً منجر به عضویت کشور افغانستان در تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۵، به سازمان تجارت جهانی گردید و تعداد اعضای این سازمان به ۱۶۴ کشور رسید. کشورهایی که به عضویت سازمان تجارت جهانی پذیرفته می شوند باید اصول ۹ گانه زیر را بپذیرند: آزادسازی تجارت خارجی، آزادسازی نرخ کالاها و خدمات و حذف کلیه یارانه های مستقیم، آزادسازی نرخ بهره، آزادسازی نرخ ارز، لغو انحصارات دولتی و خصوصی، جریان آزاد اطلاعات، تخصیص بهینه منابع به وسیله بازار، جداسازی دو مفهوم اقتصاد و تأمین اجتماعی، ایجاد دولت ناظر به جای دولت عامل در عرصه سیاست و اقتصاد.

تجربه مذاکرات ۱۱ ساله افغانستان برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی منجر به تعهدات و تغییراتی برای این کشور شده است که اگرچه در نگاه اول محدودیت آور به نظر می رسد و از مواضع ملی گرایانه فاصله دارد اما فرصت بسیار مغتنمی است تا اقتصاد این کشور منطبق با اصول بین المللی شکل یابد (میر جلیلی، بی تا).

مشورت افغانستان با دیگر اعضا از بین یکی از اعضای سازمان تجارت جهانی غیر از افغانستان انتخاب شد.

این گزارش، اولین مرحله الحاق افغانستان به سازمان تجارت جهانی از هفت مرحله الحاق را ارائه یادداشت نظام تجارت خارجی این کشور به کارگروه الحاقی مورد نظر اعلام کرد (زنگنه، بی تا).

پس از بررسی تمامی جنبه های نظام تجاری و قانونی افغانستان در کارگروه الحاقی، مرحله سوم که یکی از حساس ترین مرحله ها است آغاز می شود. کارگروه الحاقی افغانستان در مرحله سوم به بخش اصلی الحاق یعنی مذاکرات چندجانبه با اعضا می پردازد و در این مذاکرات شرایط و ضوابط الحاق افغانستان به سازمان تجارت جهانی مشخص شد. این شرایط و ضوابط شامل تعهداتی است که افغانستان باید در خصوص رعایت قوانین سازمان تجارت جهانی به مجرد عضویت در این سازمان بدهد. مرحله چهارم الحاق افغانستان به سازمان تجارت جهانی که همزمان با مرحله سوم اجرا شد، انجام مذاکرات دوجانبه افغانستان با تک تک اعضای کارگروه در خصوص توافقات تجاری دوجانبه بود. در این مرحله، افغانستان با تک تک اعضای کارگروه در خصوص امتیازها و تعهدات مبادلات تجاری کالا و خدمات و دسترسی دو کشور به بازار یکدیگر به توافق رسید. نتایج مذاکرات افغانستان در مراحل سوم و چهارم شامل سه سند جداگانه است که در مرحله پنجم به تصویب نهایی اعضای کارگروه رسید.

سند اول عبارت است از گزارش خلاصه اقدامات، شرح مذاکرات و شرایط الحاق افغانستان به سازمان تجارت جهانی که در کارگروه تهیه شده است.

سند دوم، پروتکل الحاقی است که شامل شرایط و ضوابط مورد قبول افغانستان و سایر اعضای کارگروه جهت عضویت افغانستان در سازمان تجارت جهانی

- ۱- تقویت جایگاه افغانستان در بازارهای بین‌المللی و منطقه‌ای؛
 - ۲- افزایش قدرت رقابت و چانه‌زنی؛
 - ۳- حاشیه امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری (داخلی/ خارجی)؛
 - ۴- جذب سرمایه‌گذاری (داخلی/ خارجی)؛
 - ۵- جلوگیری از فرار سرمایه؛ (صامتی و همکاران، ۱۳۸۳)
 - ۶- گسترش امنیت بازار سرمایه (بورس)؛
 - ۷- امنیت روند فعالیت بخش خصوصی (خصوصی‌سازی)؛
 - ۸- توسعه یافتن روند اقتصاد الکترونیک در کشور (تجارت، بانکداری، مالیه، بیمه، بورس و ...)
 - ۹- افزایش کارآمدی قوانین و مقررات اقتصادی (ابهام، نارسایی، نبود قانون)؛
 - ۱۰- از بین رفتن بسترها و زمینه‌های رانت و انحصار و امتیازات و ...
- اما پس از عضویت افغانستان در سازمان تجارت جهانی واقعیت‌هایی موجود است که باید این کشور با پیوستن به این سازمان آنها را مورد توجه قرار دهد:
- ۱- محدودیت حضور افغانستان در بازارهای منطقه و کشورهای همسایه به دلیل شرایط خاص حاکم؛
 - ۲- محدودیت در تنوع صادرات کالا و خدمات؛
 - ۳- ضعف دیپلماسی اقتصادی-سیاسی (موانع تکمیل‌کننده سیاست خارجی در اقتصاد)؛
 - ۴- ضعف آگاهی و اطلاع از مبانی کارشناسی اقتصاد بین‌الملل (مذاکرات، قراردادها، قوانین و مقررات)؛
 - ۵- تأثیرگذاری و نفوذ ضعیف افغانستان در عرصه اقتصاد و تجارت بین‌الملل؛
 - ۶- نقش و تأثیر گسترده آمریکا و لابی صهیونیسم در اقتصاد و تجارت بین‌الملل و سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، شرکت‌ها و ... (baker,2002).
 - ۷- نقش و تأثیر ملاحظات سیاسی در روابط اقتصاد بین‌الملل؛
 - ۸- ضرورت توجه به توانایی و دانش افغانیان مقیم خارج از کشور؛
 - ۹- بهره‌وری پایین در تولید، نیروی انسانی و سرمایه؛
 - ۱۰- ضرورت تحول اساسی در بخش کشاورزی (علیرغم نگران نبودن بخش کشاورزی به عضویت در WTO).

وضعیت موجود سیاسی و اقتصادی

افغانستان

افغانستان، یک اقتصاد جنگ‌زده و وابسته به کمک‌های خارجی بوده که محصولات صنعتی این کشور شامل نساجی، صابون، میلمان، کفش، کود شیمیایی، چرم، نوشیدنی‌های غیرالکلی، سیمان، فرش و گاز طبیعی می‌باشد. محصولات صنعتی این کشور اغلب برای مصرف داخلی تولید شده و نقش بزرگی در درآمد صادرات افغانستان ندارند. بر اساس دسته‌بندی کشورهای سازمان ملل، افغانستان یکی از فقیرترین کشورهای دنیا بوده و به‌عنوان یک کشور کمتر توسعه‌یافته و کشور توسعه‌یافته غیرساحلی شناخته می‌شود. با وجود دستاوردهای مثبت اقتصادی اخیر افغانستان، برآوردها نشان می‌دهد ۴۲ درصد از جمعیت این کشور زیر خط فقر هستند. تجزیه و

دلایل پیوستن افغانستان به سازمان تجارت جهانی

این سوال مطرح است که افغانستان با پیوستن به سازمان تجارت جهانی بایستی چه اهدافی را دنبال نماید؟ و دلایل تمایل افغانستان برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی چیست؟ بخشی از موارد مهمی که در پیوستن به سازمان تجارت جهانی قابل جستجو است، به شرح زیر می‌باشد:



سرمايه خارجي به طور قابل ملاحظه‌اي افزايش خواهد داد. با اين همه فرصت‌ها، عضويت در اين سازمان معيبي هم دارد که در صورت عدم مديريت صحيح بازار کار اثرات منفي زيادي متوجه اقتصاد کشور مي‌شود، چرا که براي عضويت در اين سازمان کشورها بايد اصولي را بپذيرند که از جمله آزادي واردات کليه محصولات صنعتي و کشاورزي، لغو محدوديت بر واردات خدمات، حذف حقوق گمرکي بر واردات محصولات صنعتي و کشاورزي و ... است که باعث مي‌شود بسياري از صنايع نوپا در رقابت با توليد خارجي تعطيل شود و در نتيجه آن بيکاري افزايش پيدا کند که اين پيامدها را شوک‌هاي ناشي از اجرائي سياست آزادسازي مي‌توان دانست که با توجه کامل دولت به اين نکات و ايجاد نکته توازن مي‌توان از اين اثرات منفي جلوگيري کرد (رواساني، ب، بي تا).

اجرائي سياست‌هاي مربوط به سازمان تجارت جهاني، تهديد‌ها و آسيب‌هايي را براي اقتصاد اين کشور به همراه دارد که بررسي و توجه به آنها ضروري است:

الف) تهديد‌ها

۱- افزايش واردات ناشي از برداشتن موانع غيرتعرفه‌اي و حذف کنترل‌هاي ارزي و زيان حاصل از آن با توجه به کمبود منابع ارزي؛

۲- وابستگي شديد صادرات کشور به واردات؛ بدین معنی که کشور نیازمند وارد کردن بخش زيادي از امکانات، تجهيزات و حتی مواد اوليه کالاهای توليدي براي صادرات مي‌باشد؛

۳- امکان کسري زياد در تراز بازرگاني به دليل افزايش واردات در مقابل صادرات؛

۴- امکان ورشکستگي بنگاه‌هاي اقتصادي در بخش‌هاي مختلف و پيامدهاي ناشي از آن مانند افزايش ميزان بيکاري و ... ؛

۵- ضعف تکنولوژي و دانش فني در زمينه بازرگاني، تبليغات، خدمات پس از فروش و ... ؛

تحليل بانک جهاني بارقه‌هايي از اميد در پويايي اقتصادي و بهبود موقعيت تجاري بين‌المللي اين کشور را با الحاق به سازمان تجارت جهاني نشان مي‌دهد (لسترو، بي تا). اين در حالي است که قوانين افغانستان مخصوصاً قانون تجارت افغانستان که از ۱۳۳۶ تا به حال تنها با تعديلات اندکي قابل تطبيق است اما تغييرات و پيچيدگي‌هاي بيش از حد تجارت جهاني با مقايسه با قانون تجارت ما هيچ قابل تطبيق نيست و دولت افغانستان مکلف است که قوانين خود را تا پنج سال آینده سروسامان داده و خود را با معيارهاي سازمان تجارت جهاني برابر کند (رواساني الف، بي تا).

افغانستان خواسته يا ناخواسته به سمت اقتصاد جهاني رانده شد. عضويت اين کشور در سازمان تجارت جهاني (WTO) قبل از هر چيزي نیازمند بکارگيري سياست‌هاي گسترده آزادسازي تجاري و توليدي و تغييرات قابل توجهي در قوانين و مقررات اقتصادي بود که اين تغييرات مي‌توانست تأثير گسترده‌اي بر اقتصاد کشور مذکور و امنيت اقتصادي داشته باشد.

حال سوال اصلي به اين صورت مطرح مي‌شود که نتيجه تاممي اين الزامات و سفارشات براي حرکت اقتصاد افغانستان به سمت اقتصاد جهاني تا چه حد براي کشور، دربردارنده فرصت و منفعت بوده و چه ميزان تهديد و آسيب براي امنيت اقتصادي اين کشور محسوب مي‌شود؟

افغانستان از وسيله فشار جديد خويش که سازمان تجارت جهاني مي‌باشد استفاده کرده. چرا که اين سازمان هم، يکي از مسئوليت‌هاي خود را اجرائي تفاهم‌نامه‌ها، مقررات و حل اختلافات در چارچوب مقررات سازمان مي‌داند. با اين همه جذب سرمايه؛ با افزايش امنيت سرمايه‌گذاري، کاهش احساس ريسک‌پذيري سرمايه در داخل کشور و ايجاد ثبات و تعامل با دولت‌ها و شرکت‌ها، زمينه را براي جذب

- ۶- ضعف حضور و فعالیت افغانستان در سازمان‌های تجاری و اقتصادی بین‌المللی؛
- ۷- نفوذ و تأثیر گسترده آمریکا و لابی صهیونیسم در اقتصاد و تجارت بین‌الملل و ممانعت از توسعه سیاسی افغانستان در سازمان تجارت؛ (آگوستین و دیگران، بی تا)
- ۸- وجود فساد مالی، اداری و اقتصادی (امتیازات، تشویق‌ها و اعتبارات و تسهیلات)؛
- ۹- ضعف تکنولوژی و دانش فنی و تجهیزات در امر تجارت و تجارت الکترونیک، شامل پایانه‌ها، مناطق آزاد، حمل و نقل، گمرک، خدمات بانکی و اداری؛
- ۱۰- بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی کشور؛ وجود چالش‌ها و مجادلات سیاسی از عوامل عمده خروج سرمایه‌ها و ناتوانی کشور در جذب سرمایه‌گذاری خارجی محسوب می‌شود.
- ب) آسیب‌های موجود در پیوستن به سازمان تجارت جهانی**
- ۱- قاچاق گسترده کالا و خدمات به داخل کشور و اثرگذاری منفی بر تولیدات؛
- ۲- ضعف نظارت و کنترل مبادی به منظور جلوگیری از واردات کالاهای قاچاق؛
- ۳- وجود موانع حقوقی و قانونی در توسعه صادرات از جمله عدم هماهنگی میان دستگاه‌های ذیربط در امر توسعه، مانند بانک‌ها، گمرک و ...؛
- ۴- نقش و سهم بالای دولت در اقتصاد و تجارت خارجی؛
- ۵- عدم همکاری کشورها برای فروش کالاها و خدمات استراتژیک و صادرات کالای افغانی؛
- ۶- نفوذ و تأثیر جریان‌ها و تفکرات سیاسی و خارجی در تعیین سیاست‌های اقتصادی کشور؛
- ۷- ضعف افغانستان در مقایسه با رقبای منطقه در امر ایجاد زیرساخت‌های صادرات و بازاریابی بین‌المللی؛
- ۸- بوروکراسی و نظام اداری گسترده و طولانی شدن فرایند صادرات و افزایش هزینه‌ها و در نهایت مقرون به صرفه نبودن صادرات
- ۹- بالا بودن ریسک اقتصادی و سیاسی افغانستان و وجود مشکلات عدیده در زمینه جذب سرمایه‌گذاری بلندمدت در کشور و گرایش سرمایه‌ها به سمت مشاغل کاذب و زود بازده؛
- ۱۰- کاهش درآمدهای مالیاتی دولت به دلیل وجود اقتصاد زیرزمینی و گرایش سرمایه‌ها با این سمت و ...
- ج) فرصت‌ها**
- عضویت در سازمان تجارت جهانی می‌تواند در زمینه‌های ذیل به عنوان فرصت‌هایی در پیش روی کشور افغانستان محسوب گردد.
- ۱- ناتوانی کشورهای پیشرفته به اعمال تحریم علیه افغانستان؛
- ۲- وجود نیروی کار و انرژی ارزان؛
- ۳- روان‌سازی تجارت و دسترسی آسان‌تر به بازارهای جهانی؛ بدین معنی که امر واردات و صادرات با سهولت بیشتری میان تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات داخلی و خارجی تحقق خواهد یافت.
- ۴- امکان استفاده از مشاوره‌ها، کمک‌ها، خدمات و سیستم‌های سازمان تجارت جهانی در چارچوب مقررات سازمان تجارت جهانی جهت حل اختلافات تجاری؛
- ۵- بهبود وضعیت حقوق مالکیت در افغانستان؛
- ۶- رفع موانع و محدودیت‌ها؛ با عضویت افغانستان در این سازمان برخی از موانع موجود در مسیر شرکت‌ها و دولت‌ها برای معامله با افغانستان به خودی خود رفع خواهند شد و امکان دسترسی کشور به کالاهای مورد نیاز خود با سهولت بیشتری انجام خواهد گرفت.
- ۷- افزایش سهم افغانستان در تجارت جهانی؛ در حال حاضر سهم افغانستان از تجارت جهانی بسیار ناچیز است و علیرغم وجود ظرفیت‌های مناسب در داخل



- کشور، افغانستان نمی‌تواند به عنوان بازیگر تأثیرگذار در اقتصاد بین‌الملل عمل نماید، به طوری که در صادرات از بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز عقب‌تر است.
- ۸- افزایش امنیت متقابل اقتصادی افغانستان؛ در صورت تعامل افغانستان با دولت‌ها و شرکت‌های بین‌المللی، ضریب امنیت اقتصادی در افغانستان افزایش خواهد یافت و این امر به صورت تصاعدی موجب افزایش توان اقتصادی کشور خواهد شد.
- ۹- افزایش فرصت‌های شغلی؛ با ایجاد بازارهای جدید برای تولیدات و خدمات، امکان اشتغال برای تعداد بیشتری از مردم در داخل کشور فراهم خواهد شد (بی‌نا، ۱۳۸۲).
- ۱۰- دستیابی به دانش فنی و فناوری جدید؛ تعامل با دولت‌ها و شرکت‌های بین‌المللی و شرکت در طرح‌ها و مناقشه‌های مشترک بین‌الملل و همچنین حذف محدودیت‌های ارتباطی با جهان خارج، موجب کسب و انتقال تجارب دیگران به داخل کشور و در نهایت دستیابی کشور به فناوری جدید خواهد شد. باید توجه داشت روند جهانی شدن اقتصاد یک کشور در دو چارچوب اتفاق می‌افتد؛
- ۱- سازمان‌های بین‌المللی
- از طریق سازمان تجارت جهانی که هدفش عملاً کاهش تعرفه و حذف سایر موانع غیرتعرفه‌ای، کاهش و حذف یارانه‌های تولید و صادرات، حذف و کاهش مداخلات دولتی در امور تولیدی و صادراتی و ... به منظور افزایش حجم تجارت جهانی و جلوگیری از اقدامات منحرف‌کننده تولید و تجارت است (نصر اصفهانی، بی‌تا).
- بانک جهانی که از طریق الزام و تشویق، کشورها را مجبور به بکارگیری سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی می‌نماید.
- صندوق بین‌المللی پول که با دادن مشاوره و ارائه راهکار، اقتصادهای ملی را به ادغام در اقتصاد جهانی تشویق می‌نماید.
- ۲- اتحادیه‌های منطقه‌ای
- اعضای این اتحادیه‌ها با امضای پیمان‌نامه به منظور رونق تجارت آزاد و کاهش تعرفه‌های گمرکی بین خود، سازمان منطقه‌ای به وجود می‌آورند.
- اصول سازمان تجارت جهانی را می‌توان به عنوان اهداف مشترک سازمان‌های بین‌المللی و اتحادیه‌های منطقه‌ای مطرح کرد که این اصول تحت عنوان سه اصل کلی آزادسازی، مقررات زدایی و خصوصی‌سازی مطرح می‌شوند:
- آزادسازی
- آزادسازی تجارت خارجی
- آزادسازی نرخ کالاها و خدمات
- آزادسازی نرخ بهره
- آزادسازی نرخ ارز
- مقررات زدایی؛ یارانه‌ها؛ ضد دامپینگ؛ موانع تجارت فنی؛ موارد گات (که در مذاکرات دور اروگوئه ذکر شده است).
- خصوصی‌سازی
- عوامل بازدارنده
- با توجه به شرایط لازم برای حضور موفق اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی و قواعدی که تحت الزامات و سفارشات WTO باید از جانب اقتصادهای ملی رعایت شوند و شرایطی که بر اقتصاد افغانستان حاکم است، به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که چه عواملی به عنوان بازدارنده عضویت افغانستان در این سازمان نقش داشته است.
- وضع موجود اقتصادی بخشی از موانع به دلیل شرایط موجود اقتصادی این کشور می‌باشند که مهم‌ترین موارد آن را به شرح ذیل می‌توان برشمرد:

حضور گسترده و موثر شرکت‌های چندملیتی در کشور همانند حضور در سایر کشورها باشیم. همین ناتوانی در جذب سرمایه و تکنولوژی مورد نیاز موجب می‌شود که روند ضعف در تولید، بیکاری، پایین بودن سطح دستمزدها و نهایتاً فقر در کشور تکرار گردد. بدین ترتیب با اجرای سیاست‌های پیشنهادی از جانب سازمان‌های مورد بحث، شوک اولیه احتمالی وارد آمده بر اقتصاد افغانستان (از میان رفتن برخی صنایع داخلی و گسترش بیکاری) ممکن است تا مدت زیادی به طول بیانجامد.

۳- شاخص‌های اقتصادی: برخی شاخص‌های اقتصادی در افغانستان اکنون وضعیت مناسبی ندارند. بیکاری در سطح مناسبی قرار دارد، نرخ تورم دو رقمی است، توزیع درآمد نامناسب است و بخشی از مردم در زیر خط فقر به سر می‌برند. بر این اساس، برخی شاخص‌ها نزدیک به مقادیر بحرانی قرار دارند و هرگونه شوکی که در نتیجه سیاست‌های آزادسازی، مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی منجر به بهتر شدن هر کدام از این شاخص‌ها شود، می‌تواند علاوه بر اینکه اقتصاد کشور را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، امنیت ملی را نیز با خطر مواجه نماید.

۴- آمادگی برای حضور در اقتصاد جهانی: اقتصاد افغانستان، اقتصادی است دولتی که بخش اعظم فعالیت‌های اقتصادی در آن یا به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در کنترل دولت قرار دارد و هرگونه اجرای سریع و شتابزده در بکارگیری سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی می‌تواند اثرات نامطلوبی بر تولید ملی، سطح اشتغال و قیمت‌ها داشته باشد. به علاوه از نظر زیرساخت‌های مورد نیاز از قبیل شبکه‌های حمل و نقل و بازار منسجم سرمایه و ... به شدت در تنگنا قرار دارد. لذا اجرای سیاست‌های تعدیل و آزادسازی در افغانستان باید کاملاً تدریجی و آرام صورت گیرد. لیکن چنین به نظر می‌رسد که

۱- ساختار تولید نامناسب: در مورد ساختار تولیدی کشور باید گفت که بخش عمده‌ای از مشکلات اقتصادی کشور به ساختار تولید و بی‌کشش بودن منحنی عرضه کل اقتصاد بازمی‌گردد. کمبود سرمایه و تکنولوژی مناسب و مدرن از یک طرف موجب گردیده که بخش عرضه اقتصاد توانایی هماهنگ نمودن خود با تقاضای در حال افزایش را نداشته باشد و از طرف دیگر موجب افزایش بیکاری در کشور شده است. در چنین شرایطی حضور در عرصه اقتصاد جهانی و بازکردن درهای اقتصاد کشور به روی آن بسیار سخت و دشوار خواهد بود، زیرا به دلیل بی‌کشش بودن منحنی عرضه، قادر به افزایش تولید در سطح صادرات گسترده نخواهیم بود و متقابلاً به دلیل تقاضای انباشته شده در کشور، بازشدن اقتصاد منجر به افزایش گسترده واردات خواهد شد (نادمی، بی تا). این امر می‌تواند پیامدهای منفی متعددی را در پی داشته باشد.

۲- مسائل سیاسی و مشکلات دستیابی به سرمایه و تکنولوژی خارجی: سازمان‌های بین‌المللی استنباط می‌کنند کشورهایی که با مشکل کمبود سرمایه و تکنولوژی روبه‌رو هستند، می‌توانند با جذب شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی این مشکل را برطرف نمایند و پس از گذراندن شوک اولیه، در ترکیب این سرمایه‌ها و تکنولوژی‌های خارجی با نیروی کار و مواد اولیه خود اقدام به تولید کالاهای قابل صدور نمایند (مروندی، بی تا).

بدین ترتیب نمی‌توان امید داشت که با وجود اجرای سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی سفارش شده از جانب سازمان‌های مذکور و مهیا کردن شرایط مناسب و قابل پذیرش در داخل کشور برای جذب این سرمایه‌ها تا زمانی سیاست‌های مستبدانه کشورهای ابرقدرت در قبال افغانستان ادامه داشته باشد، شاهد



این دو را تعدیل کند و در صورت مدیریت صحیح بازار کار و همزمان تعدیل در سایر عوامل موثر می‌توان از اثرات منفی این فرایند بر اشتغال کاست و از پیامدهای مثبت آن سود جست.

۶- فساد مالی و اداری: سیاستگذاری و مدیریت بخش‌های اقتصادی در کشور، غالباً در اختیار دولت است و تمرکزگرایی و انحصار ماهیتاً موجب فساد می‌شود. تنها راه گریز از فسادهای مالی و اداری و ... تمرکز زدایی است. با این توصیف، مهم‌ترین تأثیری که آزادسازی و مقررات‌زدایی بر اقتصاد و اجتماع کشور خواهند گذاشت ایجاد رقابت در ارائه تولیدات و خدمات بهتر و قیمت‌های عقلانی‌تر است و رقابت برای قیمت و کیفیت کالاها و خدمات به طور خودکار می‌تواند جلوی فسادهای اداری و مالی را بگیرد. هدف از آزادسازی و مقررات‌زدایی مفهوم کلاسیک آن نیست که تمام امور به دست بازار سپرده شود، بلکه باید به صورت مکانیسم بازار ولی با کنترل و نظارت اعمال گردد (ناظم، بی تا).

سازمان تجارت جهانی و سود افغانستان

یکی از اصول سازمان تجارت جهانی حل و فصل مشکلات تجاری کشورهای عضو این سازمان است که کشورها می‌توانند از مجرای این سازمان، مشکلات ترانزیتی خویش را حل کنند. بازارهای هدف محصولات صادراتی افغانستان، کشورهای جنوب آسیا به خصوص کشور هند و کشورهای اروپایی می‌باشد. برای دستیابی به این بازارها، افغانستان مجبور است که از دهلیز پاکستان به‌عنوان مسیر ارتباطی عبور کند؛ اما پاکستان از سال‌های دیر به این سو از این ناگزیری افغانستان سوء استفاده نموده و هر موقع که خواسته موانعی را مقابل محصولات افغانستان ایجاد نموده است. از این رو تاجران افغان بابت انسداد راه‌ها متحمل زیان‌های زیادی شده‌اند. هرچند موافقت‌های

فرایند جهانی‌شدن و فشار سازمان‌های مورد بحث برای انجام این اصلاحات بر کشورهای جهانی بسیار سریع‌تر از مدت زمان مورد نیاز برای تعدیل باشد که این شتاب‌زدگی و عدم هماهنگی می‌تواند تبعات منفی ورود به عرصه اقتصاد جهانی را برای افغانستان افزایش دهد و باعث به وجود آمدن شوک‌های جدی در اقتصاد کشور گردد.

۵- بیکاری: اقتصاد کشور همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته، با مازاد عرضه نیروی کار به صورت بیکاری پنهان و آشکار روبه‌رو است. از آنجایی که در کارخانجات و شرکت‌های دولتی و نیمه دولتی نیز همواره با مازاد نیروی کار مواجه هستیم، آزادسازی و خصوصی‌سازی کارخانجات دولتی که حاکم شدن نیروی عرضه و تقاضا براساس بازار را به دنبال دارد، ایجاب می‌کند که نیروهای مازاد کنار گذاشته شوند. بنابراین، این اقدام منجر به تشدید وضعیت بیکاری خواهد شد و با این وضع، بحران بیکاری جوانان تشدید و در نتیجه امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور را به خطر می‌اندازد. ولی در مواردی آزادسازی و خصوصی‌سازی می‌توانند به کاهش بیکاری نیز منجر شوند، مثلاً آزادسازی ورود سرمایه خارجی یا آزادسازی تجارت خارجی که منجر به افزایش تولیدات داخلی می‌گردند، می‌توانند ظرفیت‌های تولید داخلی را افزایش دهند که نوعی اشتغال‌زایی ایجاد می‌شود و یا در فرایند خصوصی‌سازی با رشد بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی زیاد می‌شود که این هم به نوعی می‌تواند معضل بیکاری را کاهش دهد (مالک، ۱۳۸۴).

در کل می‌توان گفت که پذیرش اصول WTO با توجه به وضع موجود این کشور هم می‌تواند بر اشتغال کشور تأثیر منفی داشته باشد و هم تأثیر مثبت. لذا مدیریت بازار کار است که می‌تواند فرایند



کننده سرمایه‌گذارهای خارجی می‌تواند باشد. پس از این افغانستان می‌تواند محصولات داخلی خویش را با قیمت پایین‌تر از گذشته به بازارهای مورد هدف صادر کند.

سازمان تجارت جهانی و زیان افغانستان

سازمان تجارت جهانی به کشورها اجازه سهمیه‌بندی واردات نمی‌دهد. یعنی دولت‌ها اجازه ندارند که ورود بعضی از محصولات را به داخل کشور خویش مانع شوند. این اصل پذیرفته شده سازمان تجارت جهانی برای کشورهای کم‌تر توسعه یافته مانند افغانستان، می‌تواند ضربه‌ی مهلک بر صنعت نو پای این کشورها وارد نماید. افغانستان بعد از حکومت طالبان نتوانسته هیچ‌گونه برنامه و سیاست‌های موثر و کارایی در جهت حمایت و رشد تولیدات داخلی طرح و تطبیق کند تا که بتواند صنعت نو پای کشور را به صورت نسبی در مقابل تولیدات بیرونی استوار نگهدارد. حتی دولت در تهیه برنامه رهنمودی برای سکتور خصوصی که در آن مزیت نسبی افغانستان در تولید بعضی از محصولات نشانی می‌گردید، ناکام مانده است. در صورتی که افغانستان قادر به انجام این کار می‌شد، سرمایه‌گذاری‌ها و منابع پولی به طرف سرمایه‌گذاری‌های غلط رهنمون نمی‌گردید. درحالی که افغانستان اجازه ممنوعیت واردات محصولات را ندارد؛ تنها در محصولات که از نگاه دینی حرام است، ورود بی‌حد و حصر تولیدات بیرونی، صنعت نو پای داخلی کشور را دچار شکنندگی بیشتر می‌کند و به احتمال زیاد یک تعداد زیادی از بنگاه‌ها محتوم به ورشکستگی خواهد شد.

سازمان تجارت جهانی به کشورهای رو به توسعه و کم‌تر توسعه یافته اجازه می‌دهد، که اعمال نظام تعرفه ترجیحی به هدف افزایش توان رقابتی بعضی از تولیدات داخلی مبادرت ورزند. این عمل برای آن عده

دوجانبه زیادی بین دو کشور به هدف زدودن مشکلات ترانزیتی و تجارتي به امضا رسید اما همواره دولت پاکستان از پذیرفتن مسئولیت‌های ناشی از این موافقت‌نامه‌ها طفره رفته و تن به این موافقت‌نامه‌ها نداده است. از این پس افغانستان می‌تواند با مراجعه به سازمان تجارت جهانی از نقض حقوق ترانزیتی‌اش جلوگیری به عمل آورد و پاکستان را وادار به همکاری در عرصه تجارت نماید (فتاح، پیشین).

پایین نگهداشتن نرخ تعرفه گمرکی کشورها، کلیدی‌ترین ابزار برای افزایش مبادلات تجارتي بین کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی است. افغانستان از سال‌های پیش به این سو از کسر بیلانس تجارت رنج می‌برد. به این معنا که بیشتر از ۹۰ درصد محصولات مصرفی افغانستان از کشورهای بیرون تأمین شده است که این خود تأثیر ناگواری را بالای بعضی از شاخص‌های اقتصادی به جا گذاشته است. این تأثیرات بالای ارزش پول داخلی کشور و صنایع نو پای داخلی کشور بیشتر محسوس است. شامل شدن افغانستان در سازمان تجارت جهانی این کشور را قادر می‌سازد که از این پس از نرخ تعرفه پایین سود جسته و محصولات داخلی خویش را با قیمت‌های پایین به بازارهای مورد هدف عرضه کند. اما زمانی افغانستان می‌تواند از این مزیت سود ببرد که پیش‌نیاز صادرات محصولات به بازارهای جهانی را فراهم سازد. عدم بسته بندی معیاری و کیفیت پایین محصولات در چند سال اخیر، یکی از مواردی است که سد راه محصولات افغانی به بازارهای جهانی بوده است.

پیوستن افغانستان به سازمان تجارت جهانی، با هدف سرمایه‌گذاری در داخل کشور دو نقش مثبت را ایفا خواهد نمود. اول: افغانستان نیروی کار وافر با دست مزد پایین نسبت به منطقه در اختیار دارد که در کاهش مصرف تمام شد تولیدات به‌طور مسقیم تأثیر دارد. دوم: پایین بودن نرخ تعرفه گمرکی عامل تشویق



نتیجه‌گیری

سازمان تجارت جهانی، نه یک سازمان مضر و نه فرشته نجات کشورهای در حال توسعه و طبقات فقیر جوامع است. این سازمان برای گسترش تجارت خارجی در سطح بین‌الملل به وجود آمد و نه برای تعادل طبقاتی، ابقاء و گسترش حقوق بشر، حمایت از محیط زیست و سایر مسائل مهمی که حتی ممکن است کلیدی باشند. دستیابی و عضویت سازمان تجارت جهانی برای هیچ کشوری داروی شفاف‌بخش تمامی امراض سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن کشور نیست، ولی می‌توان گفت که گامی بلند در جهت بهسازی ساختار اقتصادی و رشد اقتصادی کشورهاست.

فرایند عضویت افغانستان فرصتی است که سیاست‌گذاران اقتصادی به بهبود ساختار اقتصاد افغانستان و بهره‌وری و کارایی و از بین بردن رانت و انحصار که با عضویت در تجارت جهانی برچیده می‌شوند، بپردازند. در این رهگذر، عضویت حداقل بهانه‌ای بر بهبود سیستم‌های کنترل بهره‌وری و افزایش راندمان در اقتصاد کشور خواهد بود. ویژگی‌های اساسی کشورمان از لحاظ منابع انسانی، اقتصادی و ... در شرایطی بسیار مطلوب و در بسیاری موارد منحصر به فرد قرار دارد و این استعداد و توانایی وجود دارد که بتواند به سرعت خود را به سطوح بالای رقابت در عرصه اقتصادی برساند. این امر نیازمند یک پشتکار جدی در عرصه مدیریتی و کارشناسی در سطح ملی است.

قدم‌های اساسی همچون رویکرد موجود در سند چشم‌انداز، نقش اساسی در افزایش ظرفیت توان رقابتی افغانستان در تعامل جدی‌تر با اقتصاد بین‌الملل خواهند داشت و برنامه تدوین شده نیز در جهت هم‌پیوندی افغانستان با اقتصاد بین‌الملل قرار گرفته

از کشورهای رو به توسعه و یا کم‌تر توسعه، مفید واقع می‌شود که محصولات تولیدی قابل پیمایش برای عرضه داشته باشند و هم‌چنان محصولات آن از نگاه کیفیت مطابق استانداردهای پذیرفته شده بین‌المللی باشد؛ که افغانستان فاقد هر دو عنصر است (رواسانی (ب)، پیشین). اکثر صادرات افغانستان به بیرون از کشور مواد خام و یا نیمه تمام و یا میوه خشک زراعتی است که به کشورهای بیرونی تبدیل به محصول کار تمام شده و دوباره به افغانستان و یا کشورهای دیگر صادر می‌گردد. از سویی هم، بیشتر محصولات تولیدی افغانستان مطابق استانداردهای پذیرفته شده بین‌المللی نیست که بتواند به مارکت‌های جهانی راه پیدا نماید. از این رو افغانستان نه تنها که توان سودجویی از این مزیت را ندارد، بلکه تولیدات داخلی که بیشتر زراعتی است، متأثر از اعمال نظام تعرفه ترجیحی کشورهای بیرونی شده و دایره بازار محصولات افغانی بیشتر محدود می‌شود.

در چند سال اخیر کشورهایی که قدرت اقتصادی بالا دارند، به هدف تصاحب بازار با افغانستان و از میان بردن تولیدات داخلی، سیاست دامپنک را اجرا نمودند/می‌نمایند که پاکستان و چین نمونه‌ای از این کشورها هستند. افغانستان قبل از پیوستن به سازمان تجارت جهانی، در تغییر تعرفه‌های گمرکی دست باز داشت اما از این پس نمی‌تواند تعرفه را بدون در نظر داشت اصول‌های سازمان تجارت جهانی افزایش دهد. چون با واکنش کشورهای عضو مواجه می‌شود و دولت نمی‌تواند که به چنین عمل مبادرت ورزد. پس در این حالت کشورهایی که به هدف از میان بردن تولیدات داخلی و تصاحب بازار هستند، ممکن بیشتر به سیاست‌های دامپنگ روی آورند؛ که برآیند آن ورشکستگی بنگاه‌های داخلی و اثرات تخریبی ناشی از شکست و شدیدتر شدن کسر بیلانس تجارت خواهد بود.

است و بستری برای تسریع توسعه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی این کشور می‌باشد.

در این میان کاهش تهدیدها و آسیب‌های پیش‌گرفته و استفاده از فرصت‌ها و تقویت آن، زمینه مناسبی برای کاهش آثار منفی حضور در اقتصاد بین‌الملل و از جمله عضویت در سازمان تجارت جهانی است.

افغانستان تمامی تلاش خود را در راستای پیوستن به سازمان تجارت جهانی بکارگرفته و تمام ابعاد فنی، حسابی و اقتصادی آنرا با توجه به وضعیت کشور کارشناسانه ارزیابی نموده و به تمام پرسش‌های مطروحه سازمان پاسخ لازم در مذاکرات دوجانبه ارایه گردید و زمینه‌های مساعد برای بهبود ساختار اقتصادی و رشد سرمایه‌گذاری در بخش تولید زراعتی و صنعتی با طرح و اجرای برنامه توسعه اقتصادی-اجتماعی مهیا گردید.

با توجه به موارد اشاره شده در بالا و وضعیت خاص کشور افغان هرچند در کوتاه مدت و میان مدت پیوستن افغانستان به سازمان تجارت جهانی اثر منفی شدید دارد، ولیکن در دراز مدت بستگی به سطح رشد اقتصادی و ارتقای توانایی ظرفیت‌های اقتصادی کشور خواهد داشت. زیرا میزان بهره‌مندی هر کشور بستگی به قدرت رقابت آن با رقبای در بازارهای بین‌المللی دارد. افغانستان نمی‌تواند از دایره نفوذ جهانی شدن بیرون بماند. بنابراین ناگزیر است تا با برداشتن گام‌های سنجیده شده و استوار در این راه حرکت نماید.

فقط داشتن دیدگاه روشن از جایگاه خود و تسهیلات مورد انتظار از سازمان تجارت جهانی می‌تواند میزان برد و باخت را در این معامله و بازی تا حد زیادی مشخص سازد.

تأثیرات مثبت و منفی عضویت افغانستان در سازمان تجارت جهانی بر بخش‌های مختلف اقتصاد این کشور

از سوی کارشناسان ذی‌ربط مورد تحقیق و بررسی کارشناسی قرار گرفته تا ابعاد تاثیرگذاری عضویت در سازمان تجارت جهانی بر اقتصاد کشور تبیین گردد؛ به طور مثال در زمینه صادرات و واردات، اشتغال، تولید، تراز پرداخت‌ها، سیاست‌های ارزی، سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی و صنعت. همچنین در خصوص کاهش اثرات منفی عضویت افغانستان، برنامه‌ریزی شود.

در نتیجه می‌توان گفت که با پیوستن کشورهای کم‌تر توسعه یافته مانند افغانستان، به سازمان تجارت جهانی بیشترین سود نصیب کشورهای توسعه یافته می‌شود، چون کشورهای توسعه یافته در مزیت نسبی از نگاه تولیدات و قدرت اقتصادی نسبت به کشورهای کم‌تر توسعه یافته قرار دارند. پیوستن کشوری مانند افغانستان به این سازمان زمانی موثر است که صنایع داخلی به صورت نسبی قدرت رفع نیازمندی بازارهای داخلی را داشته باشد.

حال که افغانستان عضویت این سازمان را کسب نموده است، نیاز است که دولت بر بهبود امنیت و بالا بردن کیفیت محصولات داخلی به هدف راه‌یابی به بازارهای جهانی و ایجاد تسهیلات به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تمرکز کند تا بتواند از مزایای عضویت در سازمان تجارت جهانی سود ببرد. اگر افغانستان در وضعیت فعلی بماند، نه تنها عضویت در سازمان سودآور نیست، بلکه به تولیدات داخلی به شدت صدمه می‌زند. علاوه بر آن باعث کاهش بیشتر ارزش پولی، تورم قیمت‌ها و ورشکستگی بنگاه‌های داخلی خواهد شد که در نتیجه وابستگی به کالاهای خارجی شدت یافته و افغانستان بازار مصرفی تولیدات خارجی باقی خواهد ماند.



فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آگوستین و دیگران (بی تا)، کشورهای در حال توسعه و سازمان جهانی تجارت، فرصت‌ها و چالش‌ها، ترجمه: احمد یزدان‌پناه و سیف‌اله صادقی یارندی، تهران: موسسه مطالعاتی پژوهش‌های بازرگانی.
- ۲- اکبریان، رضا (بی تا)، جهانی شدن و ویژگی‌های سیاسی و اقتصادی آن، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۹۶ - ۱۹۵.
- ۳- بزرگ، وحید-علی، صباغیان (۱۳۸۴)، جهانی شدن فرصت‌ها و چالش‌ها، تهران: چاپ و نشر بازرگانی.
- ۴- بی تا (۱۳۸۴)، راهبرد توسعه اقتصادی افغانستان و عضویت در سازمان جهانی تجارت، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۵- بی تا (۱۳۸۲)، نقش سازمان بین‌المللی اقتصادی در فرآیند جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی افغانستان، تهران: موسسه تدبیر اقتصاد.
- ۶- دستگیر رضایی، علی (۱۳۹۱)، گذار افغانستان از اقتصاد سنتی چند ساختاری و ترکیبی به نظام اقتصاد بازار، ماهنامه هالند.
- ۷- رضایی، حسن (بی تا)، «چشم‌انداز پیوستن افغانستان به سازمان جهانی بازرگانی»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۶۸ - ۲۱۷.
- ۸- رواسانی، شاپور (بی تا)، «جهانی‌سازی دموکراتیک؟ جهانی‌سازی سرمایه‌داری»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۰۲ - ۲۰۱.
- ۹- رواسانی، شاپور (الف) (بی تا)، «درون‌مایه اقتصادی و اجتماعی جهانی شدن و جهانی‌سازی»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۹۸ - ۱۹۷.
- ۱۰- زنگنه، حمید (بی تا)، توسعه اقتصادی و جهانی شدن نظری به تجارت کشورها، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۰۸ - ۲۰۷.
- ۱۱- صامتی، مجید و دیگران (۱۳۸۳)، آثار جهانی شدن بر الگوی تقاضای واردات افغانستان (۱۳۸۱ - ۱۳۳۸)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲.
- ۱۲- غفوری، محمد (بی تا)، سرشت جهانی شدن، زمینه‌ها و چالش‌های آن، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۰۸ - ۲۰۷.
- ۱۳- لسترو، تارو (بی تا)، «جهانی شدن با سیمای دیگر برای جهان سوم»، ترجمه: عزیز کیاوند، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۰۸ - ۲۰۷.
- ۱۴- مالک، محمدرضا (۱۳۸۴)، جهانی شدن اقتصاد از رویا تا واقعیت، کانون اندیشه جوان.
- ۱۵- مرنندی، وحید (بی تا)، مدل رهبری، راهبردی برای رقابت‌پذیری در اقتصاد نوین جهان.
- ۱۶- میرجلیلی، سیدحسین (بی تا)، پیوست افغانستان به سازمان جهانی بازرگانی، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۱۸ - ۲۱۷.
- ۱۷- نادمی، داود (بی تا)، اقتدار و حاکمیت در روند جهانی شدن، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۹۶ - ۱۹۵.
- ۱۸- ناظم، فتاح (بی تا)، مدیریت خلاق ضرورتی استراتژیک در عرصه رقابت‌های جهانی.
- ۱۹- نصرافهانی، محسن (بی تا)، مراحل و ویژگی‌های جهانی شدن اقتصاد گذشته حال و آینده، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۰۰ - ۱۹۹.

لاتین:

1- Debi, baker, terry mander, "Invisible Government", IFG, 2002.